

نویسنده : تید رال (Ted Rall) .

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کیرنگ هوز « 2019-12-11 ».

برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام « مل ».

**دولت ایالات متحده در مورد جنگ افغانستان دروغ گفته :
آنها نمیتوانند بدون سگ دامنپرورده مانند واشنگتن پست
این کار را انجام دهند**

**The U.S. Government Lied About the Afghanistan War. They Couldn't
Have Done It Without Lapdogs Like the Washington Post**

« 18 » سال همراه با ازدست دادن زندگی به دهها هزار نفر و تریلیون دلار خیلی دیر
ویانا وقت است ولی با آنها خوب است که سرانجام رسانه ها ؛ و کارمندان دولتی
آنها را شرمگسار میسازد اما آنها باید از بخش بزرگی ملامتی خود را نجات دهند

**18 years and tens of thousands of lives and trillions of dollars too late,
their and scumbags these shame finally it's nice to see the media
a big portion of the to save ought they But handlers. government
blame for themselves**



هیچ چیز تغییر نکرده است. هر وقت یک "بحران" در سیاست خارجی وجود داشته باشد ، هرگز نخواهید خواند یا
شنید و کسی را دید که کاملاً با دخالت ایالات متحده مخالف است. بویژه مطمئناً درست نیست. (عکس: flickr / cc)

در عرض ده سال یا بیشتر، ما حقیقت را فاش خواهیم کرد، " آواز مرده کنیدی را خواند. " اما تا آن زمان فقط این تعداد مقاله است »

اما ممکن است فقط یک جایزه پولیتزر برای شما کسب کند.

بدون شک هدف اصلی از تحویل دادن جایزه و طعمه جوایز تبریک گویی توسط واشنگتن پست به روزنامه ها افغانستان است؛ همانطور که از عناوین (2000) صفحه ای آن پیدایا بر ملا است گذارشی است که دادگاهی به دفتر بازرس ویژه ای برای بازسازی افغانستان دستور میدهد و یا که قرار صادر میکند که همه اعترافات بخصوص نقاشی شده و به تصویر کشیده شده رابرت مک ناما را (Robert McNamara) پرتره بوش (Bush) و دولت اوباما (Obama) را از اینکه همه ای آنها می دانستند که حمله و اشغال افغانستان توسط ایالات متحده امریکا بُرد و یا موفقیت با خود ندارد و محض یک اشتباه و یک غلطی جعلی بوده بغرض نشر به روزنامه جیف بیزس (Jeff Bezos) بسپارد؛ در همان زمان آنها به مردم امریکا می گفتند که پیروزی در "جنگ خوب" پس از (11) سپتامبر درست در گوشه و کنار بود. تنها چیزی که ما باید پیروز شویم این بود که چطور باید قلب و ذهن افغانان را جلب کنیم.

واشنگتن پست نوشت: که محتویات اسناد [I.G] با صورت اظهارات روسای جمهور قوماندانان نظامی و دیپلمات های ایالات متحده امریکا کاملاً باهم تفاوت دارد از اینکه سال به سال به امریکایی ها اطمینان داد میشد که در افغانستان پیشرفت میکنند و جنگ ارزش جنگیدن را دارد؛ واشنگتن پست گفت: تعداد از آن صاحبه کنندگان مبنی بر توصیف تلاش های صریح و متداوم دولت امریکا که برای گمراه کردن عموم مردم مصروف بودند گفتند: که این دولت مردان طور معمول در ستاد های نظامی در کابل و در کاخ سفید به تحریف آمار و ارقام می پرداختند تا طوری وانمود کنند که ایالات متحده در این جنگ پیروز جنگ است.

مقالات افغانستان این دورغ ها را هرچه درخشانتر و تابناکتر برملا کرد و آن اینکه بلی: رهبران نظامی و غیر نظامی ما امریکایی ها در مورد افغانستان بما دروغ گفته اند؛ چونکه آنها نتوانستند از گسترش کشت و کشتار هزاران سرباز امریکایی و از قتل به ده ها هزار سربازان افغان و از هدر رفتن به صدها هزار دلار جلوگیری بعمل آورند. تنها سازمانهای رسانوی مثل واشنگتن پست بعنوان نگارنده سیاست دولت تا که توان دارد بی تردید خدمت میکند که خدمات آن نیز در این بخش عبث و به هدر رفته است.

رسانه های عمده مطبوعاتی مانند واشنگتن پست و نیویارک تایمز همچو رسانه های

احمق نه تنها که برای پخش تبلیغات به طرفداری دولت ویاکه بطرفداری جنگ نبودند بلکه این رسانه ها بطور جدی به سانسور افرادی می پرداختند که میدانستند که نباید به افغانستان بروند تا که آنها در بازگشت خود تمام حقایق از جنگ را به رای دهندگان امریکا بازگویی نکنند.

افرادی مثل من

من جزء اقلیت ناچیز روزنامه نگاران و مفسران بودم که از همان ابتدا با جنگ افغانستان مخالفت کردم. «نه» روز پس از یا زده سپتامبر، اولین کارتونها را منتشر کردم که نشان می داد القاعده در پاکستان بود، نه در افغانستان، بنا براین هیچ توجیه اخلاقی یا قانونی برای حمله وجود نداشت. با توجه به اینکه به جنگ به این صورت ادامه داده شد من خاطر نشان کردم که زن و مرد مسئول این جنگ هیچ سرخی در مورد افغانستان یا مردم افغانستان ندارند. مطابق "روزنامه های افغانستان"، این زن و مرد می دانستند که آنها در حال پیچانیده شدن ویا در حال به تهمت کشا نیده شدن به این جنگ اند ولی نمیخواهند که اعتراف کنند ویا که نادانی ونا فهمی خود را بیپزیرند.

من برای بررسی امور ویا اوضاع بخاطر درک از واقعیت ها خودم به افغانستان رفتم البته این خود واضح بود که ایالات متحده در آن زمان در آنجا یعنی در افغانستان چانس نداشت واما هدف اصلی از این ماجراجویی امریکا طوری به نظر میرسد که امپریالیسم بخاطر انتقامجویی در پی نصب ویا به دنبال به قدرت رساندن یک دولت دوستانه ویا مطیع خود در کابل بود ولی ماهرگز نه برنده قلب ها و مغزهای از افراد عادی و نه هم از رهبران رژیم کنونی شدیم؛ و من در یازدهم ماه دسامبر سال (2001) از افغانستان نوشتم: «آن اینکه ما این جنگ را از دست داده ایم و آنهم نه به این دلیل که آنها خوب هستند یا که ما خوب نیستیم بلکه ما بخاطر چی کسی هستیم؟ امپراتوری ایالات متحده نمیتواند ویاکه نمیخواهد بخاطر عمران این مکان دیوانه؛ نیروی بشری؛ زمان ویا پول نقد خود را صرف کند؛ آنطوریکه در تحلیل نهایی در سال انتخابات **جورج دبلیو بوش** درست گفته بود: «ما سازندگان ملت نیستیم....» ما باید اجساد ویا مردگان خود را جمع کنیم؛ تلفات و ضرر های ما را بنویسیم؛ و خودمان را خوش چانس بدانیم که تا هنوز از بر قدرت خوانده میشویم. قطعه من (نوشته های من) برای صدای دهکده با عنوان «چگونه افغانستان را از دست دادیم» عنوان شد.

این عنوان نوشته‌ها یم هجده سال قبل منشر شد؛ اما نه در واشنگتن پست؛ چونکه آنها یعنی ویرایشگران واشنگتن پست نمیخواستند آنچه را که «چپ‌ها» مثل من میگفتند آنرا بشنوند.

آنها تا هنوز هم نمیخواهند آنچه را که من میگویم؛ آنها بشنوند.

افغانستان برای من یک خیال به راحت گذرا نبود؛ من صدها مقاله و صد ها کارتون نوشته و کشیده ویا ترسیم کرده ام وخواستار توقف فوری این جنون و این عمل دیوانگی شده ام ولی این خواست‌ها تنهایی بوده؛ تا جایکه حتی دموکرات‌ها این جنگ ویا ادامه این جنگ را درست خواندند درحالیکه در مورد جنگ عراق گنگ بودند.

من چندین بار بعنوان یک گذارشگر ویا روزنامه نگار آزاد و مستقل به آن کشور یعنی به افغانستان سفر کردم و من اولین کتاب ام را راجع به تجاوز امریکا بالای افغانستان نوشتم؛ تنها کتابی در مورد سیاست تمدید لوله نفت در آن کشور؛ کتابی که افغانستان را در بستر آسیای میانه قرار داده است. و کتاب دیگری که البته وضعیت افغانستان را به مقایسه میگیرد. وقتی که «**بارک اوباما**» گفت: ما در حال برآمدن هستیم..... این یک دروغ دیگر همسان همان دروغ که در آغاز جنگ گفته شده بود.

پاداش من در مورد حق بجا نب بودن من در حالیکه دیگران همه اشتباه میکردند در چه بود؟ که صدها بار تهدید به مرگ؛ اخراج ام از سوی روزنامه و مجلات مشتری من صورت گرفت؛ این مشکل به نظرمی آمد که کنون چنین پنداشته شود که **جورج دبلیو بوش** در سال (2004) در مقایسه با ونستون چرچل محبوب تر بود و این آن سالی بود که نیویارک تا یم لیبرال و واشنگتن پست کار خبرنگاری من را متوقف کردند.

روزنامه نگاران ویا روزنامه‌های مهم و داوران کتاب؛ کتاب‌های من را نادیده گرفتند سردبیران روزنامه‌ها از استخدام من به حیث خبرنگار خودداری کردند؛ پرودیسرها از راجستر شدن دوباره ام شانه خالی کردند و هرآن کسی که مخالف جنگ در افغانستان بود از طرف رسانه‌های امریکایی سانسور شد.

اینکه افغانستان نادیده گرفته شد. این موضوع در تعداد بیشماری از تحلیل‌ها نظرها و مقالات در روزنامه‌های امریکایی پرداخته است - همه این تبلیغات به طرفداری از جنگ هزاران داستان تلویزیونی و رادیویی درباره جنگ افغانستان در رادیو و تلویزیون وجود داشت. رسانه‌های شرکتی با رها و بارها از همان ژنرال‌های بازنشسته، مأموران سابق سیا (سی‌ای‌ای) و مأمورین جناح دست راستی را برای نقل قول و تحلیل‌ها مورد استفاده قرار داده‌اند. آنها هرگز از منتقدین یا مخالفان مداخله گرای ایالات متحده در

افغانستان دعوت نکردند تا افکار خود را با خوانندگان، شنوندگان و بینندگان در میان بگذارند.

گویی که هیچ چیز تغییر نکرده است. هر وقت یک "بحران" در سیاست خارجی وجود دارد، هرگز نخواهید خواند و نه خواهید شنوید یا کسی را کاملاً مخالف دخالت ایالات متحده با صدای خود در رسانه‌ها خواهید دید. مطمئناً درست نیست.

بنا بر این، (18 سال) و توام با تلفات و یا ضایعات به ده‌ها هزار نفر از زندگی و تریلیون دلار مصارف خیلی دیر است که امریکا متوجه اشتباه خود شود، اما خوب است که رسانه‌ها نهایتاً شرمنده این دست‌اندرکاران و دست‌اندردولتیان‌شان شوند. اما پس باید که آنها از بخش بزرگی از ملامتی که دارند خود را نجات دهند.



چند سطر در مورد نویسنده:

رال نویسنده کتابهای جدید "جاده ابریشم به ویرانی: آیا آسیای میانه خاورمیانه جدید است؟" و "مانیفست ضد آمریکا" است. وبسایت وی tedrall.com است.

----- **با تقدیم سلامها** « 2019-12-30 » .

